

انفجار خشم و اعتراض مردم ایران هر لحظه ممکن است

روزنامه لوموند فرانسه در یادداشتی به این موضوع پرداخته است که ناامیدی مردم به سطحی رسیده است که حاضر بوده زیر بمباران کشته شوند، چرا که وضعیت کنونی زندگی آنان فاجعه‌بارتر از آن چیزی است که گفته می‌شود، ناظران سیاسی امور ایران بر این باور هستند که شرایط این کشور در نهایت بحران و تزلزل قرار دارد و انفجار خشم و اعتراض مردم ایران علیه مسئولان این رژیم هر لحظه ممکن است. علیرغم این وضعیت تا کنون هیچ ابتکاری برای سازماندهی مردم وجود ندارد و این موجب شده جمهوری اسلامی ایران در قدرت بماند. مارکو روبریو وزیر خارجه آمریکا در نخستین سفر خود به خاورمیانه در کشور اسرائیل اعلام نمود که در این حکمرانی وجود دارد که مردم حامی آن نیستند و جمهوری اسلامی ایران که علت اصلی همه بحران‌ها و بی‌ثباتی در خاورمیانه است، هیچ‌گونه شرعیتی ندارد.

کنگره اتحاد مجدد دمکراتها

اثبات اراده مبارزه، استقلال سیاسی و تصمیم‌گیری



مصطفی هجری:

کردستان ایران میدان اصلی مبارزه و رسالت تاریخی حزب دموکرات است

فضایی که همه افراد حزب را از آن خود بدانند، بحرانها و مشکلات داخلی کاهش یافته و حل و فصل خواهند شد

شیوه‌ی تحزب و کار مشترک، با فراهم ساختن بستر برای شایسته‌سالاری، با ایجاد روحیه‌ی احساس مسئولیت در خصوص وحدت حزب و تصمیمات آن، با آموزش و تربیت امروزی و بارآوردن افراد با روحیه‌ی سازگاری و احترام به تنوعات و تمایزات، با خلق

حزب دموکرات بر این باور است که با تجربه گرفتن از اشتباهات و نقایص گذشته، با جلوگیری از مجموعه پدیده‌های منفی و ناخواسته، با انتقاد کردن و انتقادپذیری و صراحت گفتار رهبری و اعضای درون حزب، با تغییر و نوگرایی در فرهنگ و سیستم و

این کشور خواهد بود. بمنظور ادغام و یکپارچه ساختن پتانسیل مبارزاتی همه‌ی ملیتهای ایران بمنظور گذار از جمهوری اسلامی نیز باید یک همپیمانی میان کلیه‌ی احزاب ترقیخواه سراسری و منطقه‌ای و تشکلهای مدنی داخل کشور ایجاد گردد

دیدگاه و نقشه‌ی راه حزب دموکرات برای ایران آینده کاملاً روشن است. حزب دموکرات کردستان ایران با تأکید بر اینکه ایران یک کشور کثیرالملله است، اعتقاد دارد که نظام سیاسی فدرالیسم متضمن اشتراک تشکلهای ملی، مذهبی و دیگر تنوعات

ادامه در صفحه ۳

ذهن کوردی، آنتولوژی، پارادایم‌ها

شاهو حسینی
۶

کنگره ۱۷ حزب دمکرات کردستان ایران و نقش آن در آینده‌ی سیاسی کردستان و ایران

اورارتو دلشین
۵

خالد عزیزی:

سرنگونی جمهوری اسلامی باید هدف و پروژه مشترک همه‌ی ملیت‌ها و ابوزیسیون ایرانی باشد

۴

مصطفی هجری:

کردستان ایران میدان اصلی مبارزه و رسالت تاریخی حزب دموکرات است

۳

بیانیه‌ی کمیته‌ی مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران بمناسبت اختتام موفقیت آمیز کنگره‌ی ۱۷ (کنگره‌ی وحدت مجدد دمکراتها)

۲

بیانیه کمیته مرکزی حزب دمکرات کوردستان ایران بمناسبت اختتام موفقیت آمیز کنگره ۱۷

(کنگره ی وحدت مجدد دمکراتها)

دمکراتها، انتخاب اعضای اصلی و علی‌البدل کمیته مرکزی بود که این بخش از کار کنگره نیز در جریان یک رقابت سالم و دمکراتیک با موفقیت به انجام رسید.

دوستان و هواداران حزب دمکرات کوردستان ایران!

بدون تردید به تعویق افتادن کنگره ی ۱۷ حزب دمکرات کوردستان ایران که خوشبختانه "وحدت مجدد دمکراتها" نام نهاده شد و می‌توان آنرا انجام یکی از اصلی‌ترین مواد مورد توافق دمکراتها توصیف کرد، موجب نگرانی بسیاری از افراد و طیفها، بویژه اعضا و هواداران حزبمان شده بود. اکنون که خوشبختانه با اعلام اختتام پیروزمندانه ی کنگره، حزب دمکرات کوردستان ایران توانست بر مشکلات و موانع پیش رو فایز آمده و نگرانی مردم و اعضا و هواداران را رفع نماید، طبق سرشت کنگره و اوضاع سیاسی جنبش کورد و تحولات در ایران، مرحله‌ای مملو از وظیفه، مسئولیت و مبارزه را در پیش داریم.

کمیته مرکزی منتخب کنگره ی ۱۷ حزب دمکرات کوردستان ایران (کنگره ی وحدت مجدد دمکراتها) برگزاری موفقیت‌آمیز کنگره را به تمامی مبارزان، اعضا و هواداران حزب دمکرات کوردستان ایران تبریک گفته و همه‌ی صفوف حزب و کلیه‌ی دوستان و دلسوزان این حزب و بطور کلی مردم کوردستان را به حمایت از رهبری حزب در پیاده کردن مواضع و مصوبات این کنگره فرامی‌خواند.

کمیته مرکزی حزب دمکرات کوردستان ایران
۱۶ بهمن ماه ۱۴۰۳ خورشیدی
۴ فوریه ی ۲۰۲۵ میلادی

تحولات منطقه، ایران و کوردستان ایران پرداخت. ایشان با تحلیل رویدادهای پس از هفت اکتبر ۲۰۲۳ و شکست استراتژی جمهوری اسلامی در منطقه، اوضاع رژیم در سطح بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی را تشریح کرد.

بخش دیگری از گزارش سیاسی رهبری حزب به بررسی شرایط مبارزه ی هویت‌طلبانه‌ی مردم کوردستان اختصاص داشت و در آن ارتقاء سطح هشجاری ملی، وحدت میان اقشار و طبقات گوناگون جامعه، گسترش مبارزه‌ی مدنی و توده‌ای و برجسته شدن نقش زنان و جوانان را از ویژگیهای مبارزه‌ی امروز مردم کوردستان توصیف کرد.

آقای مصطفی هجری در پایان ارائه‌ی گزارش سیاسی رهبری حزب به کنگره، از دیدگاه و نقشه‌ی راه حزب دمکرات کوردستان برای ایران آینده سخن گفت و در این رابطه، پایداری در مبارزه جهت تأمین حقوق و آزادیهای ملی مردم کوردستان در چارچوب یک ایران فدرال و تلاش در راستای هماهنگی نیروهای دمکرات و ترقی‌خواه اپوزیسیون را وظیفه‌ی مبرم رهبری آینده‌ی حزب توصیف کرد.

پس از ارائه‌ی گزارش سیاسی رهبری حزب نوبت رسید به نقطه‌نظرات اعضای کنگره در خصوص مواد و بندهای مربوط به تصمیمات کنگره که اعضای کنگره در فضایی دمکراتیک نظرات و پیشنهادات خود را جهت تصویب ارائه کردند.

در همین بخش از کارهای کنگره ۱۷ حزب (کنگره ی وحدت مجدد دمکراتها) با رأی اعضای کنگره، گزارش سیاسی، قطعنامه و مجموعه اسناد دیگر کنگره که طبق توافق هردو طرف دمکرات تهیه و تنظیم شده بودند، بعنوان برنامه و اساسنامه‌ی حزب به تصویب رسیدند.

آخرین بخش کار کنگره وحدت مجدد

کشور در طرح ایده‌ها و ابداعات جدید، حفظ وحدت صفوف و پرتوان ساختن تلاش و مبارزه‌ی سیاسی و مدنی در داخل کشور تأکید ورزید. آقای خالد عزیزی در خاتمه‌ی پیام خویش با اشاره‌ی اجمالی به وضعیت پربهران جمهوری اسلامی ایران، بر آمادگی مردم در داخل کشور و اعضای حزب جهت روبروشدن با احتمالات و سناریوهای پیش و پس از سرنگونی رژیم، بمشابه‌ی وظیفه و ضرورت فعلی مبارزه تأکید نمود.

در بخش دیگری از کارهای کنگره گزارش هیأت برگزارکننده کنگره توسط آقای کمال کریمی، مسئول این هیأت ارائه شد. آقای کریمی در ابتدای گزارش خود با اشاره به دلایل به تعویق افتادن کنگره و شرایط امنیتی‌ای که پس از سربرآوردن جنبش ژینا بر حزب دمکرات تحمیل گردید، جزئیات روند برگزاری کنفرانسهای کنگره و انتخاب نمایندگان برای کنگره و پروسه‌ی به انجام رساندن کارهای کنگره را ارائه داد.

بدنبال تقدیم گزارش هیأت برگزاری کنگره و اخذ رأی اعتماد اعضای کنگره جهت مشروعیت بخشیدن به کنگره، چکیده‌ای از گزارش سیاسی رهبری حزب از سوی آقای مصطفی هجری، مسئول مرکز اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران ارائه شد. آقای مصطفی هجری در ابتدای گزارش خویش ضمن تبریک بمناسبت آغاز بکار کنگره ی وحدت مجدد دمکراتها به شرکت کنندگان کنگره و مهم شمردن موضوع اتحاد دوباره ی دمکراتها بر روند فعالیت و مبارزه‌ی حزب، گزیده‌ای از گزارش سیاسی رهبری حزب را تقدیم کرد.

مسئول مرکز اجرایی حزب در این گزارش با اشاره به به‌نتیجه رسیدن موفقیت‌آمیز پروسه‌ی اتحاد دوباره‌ی دمکراتها و سربرآوردن جنبش ژینا، توانمندیها و ظرفیتهای این جنبش و ترسیم افق جنبش سیاسی کورد در کوردستان ایران، به آخرین

هم‌میهنان ارجمند!
مردم میهن‌پرست کوردستان!
مجامع و محافل سیاسی ایران و کوردستان!
اعضا و هواداران حق‌شناس حزب دمکرات کوردستان ایران!

با مسرت فراوان برگزاری موفقیت‌آمیز هفدهمین کنگره ی حزب دمکرات کوردستان ایران (کنگره ی وحدت مجدد دمکراتها) را اعلام می‌داریم.

بعد از ظهر روز ۱۵ بهمن ماه ۱۴۰۳ خورشیدی (۲ فوریه ی ۲۰۲۵ میلادی)، با شرکت کلیه‌ی اعضای کنگره (اعضای رهبری، نمایندگان منتخب اعضا، کادرها و پیشمرگان و سازمانهای حزب در خارج از کشور و اقلیم کوردستان)، کنگره ی هفدهم حزب دمکرات کوردستان ایران تحت نام "کنگره ی وحدت مجدد دمکراتها" کار خود را آغاز کرد.

در ابتدای مراسم گشایش کنگره و پس از سرود ملی ای رقیب و رعایت یک دقیقه سکوت در گرامیداشت یاد و خاطره‌ی شهدای کورد و کوردستان، پیام افتتاحیه‌ی کنگره از سوی آقای خالد عزیزی، سخنگوی حزب دمکرات کوردستان ایران ارائه شد.

آقای عزیزی در پیام خویش ضمن اشاره به وضعیت حزب دمکرات در مراحل "گذشته" و "حال" و افق پیش‌روی این حزب در "فردا"ی تلاش و مبارزه‌اش، به موضوع و اهمیت اتحاد دمکراتها پرداخت و اتحاد و وحدت مجدد را خواست توده‌های مردم کوردستان و اعضا و هواداران حزب توصیف کرد. سخنگوی حزب در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به ضرورت بازنگری عملکرد خویش و مشخص ساختن اشتباهات و نقایص گذشته، بر وظیفه‌ی اعضای حزب و فعالان داخل

دکتر مجید حقی:

ایران، تنها در صورتی می‌تواند به سمت آزادی، برابری و عدالت اجتماعی حرکت کند که پلورالیسم سیاسی را به عنوان یک اصل بنیادین بپذیرد

● **مصاحبه: شهرام سبحانی**

مصاحبه‌ی با دکتر مجید حقی، فعال سیاسی خواهیم داشت.

● **آقای حقی ممنون از اینکه برای این مصاحبه وقت گذاشتید ابتدا می‌خواهم با این سوال گفتگو را شروع کنم که پلورالیسم چیست و پلورالیست کیست؟**

با نهایت سپاس و قدردانی از فرصتی که در اختیار بنده قرار دادید تا با خوانندگان نشریه‌ی محترم کوردستان به گفتگو بنشینم.

پلورالیسم یا تکثرگرایی، به معنای پذیرش و به رسمیت شناختن گوناگونی‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی در یک جامعه است. در یک نظام پلورالیستی، گروه‌ها و اقشار مختلف جامعه این حق را دارند که هویت خود را حفظ کرده، نظرات و باورهای خود را آزادانه بیان کنند و در فرآیندهای تصمیم‌گیری سیاسی و اجتماعی مشارکت داشته باشند. برای درک بهتر این مفهوم، جامعه را به یک جاده‌ی پر رفت و آمد تشبیه کنید که در آن وسایل

اشاره: پلورالیسم سیاسی اهمیت بالایی به تنوع فکری، فرهنگی و سیاسی می‌دهد و به احترام و توجه به تعدد نظرات و اعتقادات در جامعه تأکید دارد. این ایدئولوژی سیاسی به تشویق مشارکت مردم، تضمین حقوق اقلیت‌ها، ترویج دموکراسی و توسعه ارتباطات میان گروه‌ها و افراد مختلف می‌پردازد. در ادامه‌ی این گفتگو با سوالاتی نظیر اینکه: پیامدها و مزایای یک نظام پلورالیستی بر جامعه‌ی چندملیتی ایران چه خواهد بود؟ چالش‌های روبروی نهادینه کردن نظام پلورالیستی در جغرافیای سیاسی ایران چیست؟ و چرا جامعه‌ی ایران به پلورالیسم سیاسی نیاز دارد؟ و... روبرو خواهیم شد که برای پاسخگویی به این سوالات

برگزاری نخستین پلنوم کمیته مرکزی منتخب کنگره ی هفدهم حزب دمکرات (کنگره ی وحدت مجدد دمکراتها)



نخستین نشست کمیته مرکزی منتخب کنگره ی هفدهم حزب دمکرات کوردستان ایران (کنگره ی وحدت مجدد دمکراتها) روز پنجشنبه، ۱۸ بهمن ماه (۲۰۲۵/۲/۱۶ میلادی) با شرکت اعضای اصلی و علی‌البدل کمیته مرکزی برگزار گردید. این نشست، انتخاب دبیرکل حزب، بررسی کارهای کنگره و تعیین مهمترین اولویتها و کارهای کمیته مرکزی جدید را در دستور کار خود قرار داده بود.

در بخش نخست این نشست آقای مصطفی هجری با اکثریت آراء اعضای کمیته مرکزی به دبیرکلی حزب برگزیده شد. آقای مصطفی هجری، دبیرکل حزب دمکرات کوردستان ایران نیز در نخستین بیانات خود پس از انتخاب به‌عنوان دبیرکل، اختتام موفقیت‌آمیز کنگره را به اعضای حزب دمکرات و همه‌ی مردم کوردستان تبریک و تهنیت گفت و مراتب سپاس و تقدیر خود و رهبری حزب را به دوستان و یارانی که با دلسوزی و خستگی‌ناپذیری تمام جهت برگزاری موفقیت‌آمیز این کنگره قبول مسئولیت کرده بودند، اعلام داشت. همچنین از سوی کمیته مرکزی منتخب کنگره سپاس و حق‌شناسی رهبری جدید حزب دمکرات را تقدیم اعضای رهبری پیشین حزب دمکرات نمود که طی مدت مسئولیت خویش به شیوه‌ای خستگی‌ناپذیر در انجام وظایف حزبی و مهمتر از همه برگزاری موفقیت‌آمیز کنگره با تمام توان و احساس وظیفه‌ی کامل، تلاش کردند.

در بخش دیگری از دستور کار این نشست، کمیته مرکزی ضمن عرض تبریک به کلیه‌ی اعضا، دوستان، هواداران و حامیان حزب دمکرات کوردستان ایران، اعلام داشت که در پرتو رهنمودهای تصمیمات و توصیه‌های کنگره وحدت مجدد دمکراتها و با الهام از نام کنگره، در راستای اهداف تعیین شده در مبارزه و فعالیت حزبی و جهت پیشبرد جنبش سیاسی کورد در کوردستان ایران پیگیرانه تلاش می‌ورزد. بدین منظور ضمن تأکید بر لزوم تقویت هرچه بیشتر وحدت صفوف حزب و توجه کامل به کلیه‌ی توانمندیها و ظرفیتهای درون حزبی، با عنایت ویژه به ضرورت اتحاد نیروهای سیاسی کوردستان ایران و تداوم تلاش و فعالیت در راستای تحقق این هدف، یکپارچه ساختن پتانسیل مبارزاتی کوردستان ایران در جهت یک اسلامی ملی همه‌جانبه در مقابل جمهوری خود قرار خواهد داد.

کمیته مرکزی حزب دمکرات کوردستان ایران
۱۸ بهمن ماه ۱۴۰۳ خورشیدی
۱۸ بهمن ماه ۲۰۲۵/۲/۱۶ میلادی



تنها زمانی جامعه می‌تواند به حیات خود ادامه دهد که همه گروه‌ها یکدیگر را به رسمیت بشناسند و حقوق و مسئولیت‌های خود را در برابر سایر گروه‌ها رعایت کنند. در مورد ایران، پلورالیسم را می‌توان در دو سطح تعریف کرد:

کوردستان ایران

میدان اصلی مبارزه و رسالت تاریخی حزب دموکرات است

رفقای ارجمند!

شرکت کنندگان گرامی کنگره ی وحدت
مجدد دموکراتها (کنگره ی هفدهم حزب
دموکرات کوردستان ایران)!

به نمایندگی مرکز اجرایی حزب دموکرات کوردستان ایران از صمیم قلب به شما خیرمقدم می‌گویم. جا دارد برگزاری این کنگره که گام مؤثر و آخرین مرحله ی پروسه ی وحدت مجدد دموکراتها است را به اعضای حزب در داخل و خارج از کشور، مردم مبارز کوردستان که پشتیبان همیشگی و راستین حزب دموکرات هستند، خانواده ی سرفراز شهدا و زندانیان سیاسی تبریک و تهنیت عرض نمایم. در همین مجال نیز به روان پاک شهدای حزب و خلق، بویژه شهدای پس از وحدت مجدد صفوف حزب و شهدای جنبش ژینا در داخل کوردستان که تازه‌ترین شهدای کاروان افتخار و سربلندی مبارزه و ملتمانند، درود می‌فرستیم.

وحدت مجدد صفوف دموکرات محصول یک ضرورت تاریخی، خواست همیشگی توده‌های مردم کوردستان، مطالبه و تشویق دوستان و دلسوزان حزب دموکرات کوردستان و مبارزه ی سیاسی - ملی کورد در کوردستان ایران بود که با اراده و احساس مسئولیت رهبری و مبارزین درون صفوف هر دو طرف دموکرات به پیروزی و نتیجه ی مطلوب و قابل انتظار منجر شد.

بدون تردید اگر برگزاری این کنگره در حیات سیاسی و سازمانی حزبمان بسیار مهم و ارزشمند بشمار می‌رود، در عین حال شرایطی که کنگره را در آن برگزار می‌کنیم بیشتر حائز اهمیت و سرنوشت‌ساز است. در حال حاضر منطقه ی خاورمیانه تحت تأثیرات جنگ اسرائیل علیه حماس و حزب‌الله لبنان و دیگر طرفهای وابسته به ایران قرار دارد و جمهوری اسلامی نیز تحت تأثیر این تحولات بیش از همیشه در صحنه ی سیاسی جهان منزوی گشته و در داخل کشور نیز مشروعیت خود را از دست داده است.

جهت بررسی اوضاع و پایگاه سیاسی و مشروعیت مردمی جمهوری اسلامی هیچ نیازی نیست که به داده‌ها و تحلیل سیاسی استناد کنیم، بلکه تازه‌ترین انتخابات رژیم بهترین معیار برای ارزیابی جایگاه و پایگاه جمهوری اسلامی در میان مردم کشور بشمار می‌رود. عدم شرکت اکثریت مردم در این انتخابات حاوی دو پیام صریح بود: "ته به جمهوری اسلامی" و "آری برای تحولات ریشه‌ای".

این رژیم وارث زمامداری حکومت مرکزگرای پهلوی است که بر اساس ناسیونالیسم ایرانی بنیان نهاده شده، ناسیونالیسمی که هیچگاه به کثیرالملله بودن جامعه ی ایران اعتراف نکرده است. این یک کشور کثیرالملله است و عدم توجه به این واقعیت در بنیان نهادن ایران، بویژه در تاریخ یکصد سال گذشته، عامل اصلی تمامی مجموعه مشکلات و بحرانهایی گشته که امروز دامنگیر مردم ایران و اپوزیسیون جمهوری اسلامی شده است.

جمهوری اسلامی از سویی تلاش کرده احساسات ملی را در میان کوردهای شیعه تضعیف نماید و از سوی دیگر تعصبات

مذهبی و تدروی را در میان کوردهای سنی گسترش دهد؛ همزمان با گسترده کردن شکاف میان ادیان دیگر نظیر یارسانی‌ها از استحکام وحدت ملی کورد جلوگیری بعمل آورد. اما هشیاری سیاسی و ملی کورد از سویی و استراتژی حزب دموکرات که عبارت بوده از تقویت شعور ملی از دیگر سو، در خنثی کردن میدانی سیاسیتهای رژیم کارساز بوده است. برجسته بودن احساسات و شعور ملی کورد در کوردستان ایران در چند رویداد نظیر زلزله ی ازگله و سرپل ذهاب در استان کرماشان و سیل لرستان و مناسبتهای ملی‌ای چون نوروز نشانگر اوج هشیاری سیاسی و ملی کورد در کوردستان ایران بودند.

مراسمات نوروزی امسال نیز [۱۴۰۳] که با شکوه کم نظیری برگزار شدند از سویی نشانگر اراده و حس قدرتمند میهن پرستی کوردی بودند و از سوی دیگر تا حد چشمگیری از آمادگی ذهنی، فکری و میدانی مردم کوردستان برای مبارزه و نافرمانی مدنی علیه جمهوری اسلامی سرچشمه می‌گرفتند. این مناسبات نشان دادند که سازماندهی و هویت‌طلبی کورد در چارچوب مبارزه ی مدنی و توده‌ای مسیر فزونی پیموده و سطح درک و رفتار سیاسی مردم کوردستان آنقدر بالا است که می‌توان آنرا در سطح ایران نمونه دانست.

در این مدت خیزش ژینا که از کوردستان با شعار "ژن، ژیان، نژادی" (زن، زندگی، آزادی) سربرآورد چنان بستری را فراهم ساخت که اکثر

جریانهای ایرانی بویژه جامعه ی زنان کوردستان و ایران خود را در این جنبش باز یافتند.

در این خیزش که سیمای سیاسی کوردستان و ایران را متحول ساخت، نقش خانواده ی شهدای جنبش ژینا، بازاریان و کسبه، پزشکان، معلمان، شخصیتها و نخبگان سیاسی و اجتماعی، زنان، جوانان، دانشجویان، دانش‌آموزان، روحانیون متعهد در کوردستان و نیز دیاسپورای کورد در خارج از کشور برجسته و ارزشمند بود که ضروری است حزب دموکرات کوردستان ایران هم توجه بیشتری به آنها داشته باشد و هم از توانمندیها و ظرفیتهای خویش جهت پیشبرد مسائل اقشار گوناگون جامعه و سازماندهی و یکپارچه ساختن پتانسیل مبارزاتی آنها بهره بگیرد.

حزب دموکرات کوردستان ایران همچون همیشه معتقد است که مشکل ایران با جامعه ی جهانی نباید در موضوع اتمی و موشکی جمهوری اسلامی و به تبع آن در برجام خلاصه شود. مسأله ی اصلی جمهوری اسلامی عدم تطابق این رژیم با چارچوب نظم جهانی، ایدئولوژی رژیم و برنامه‌های آن برای گسترش تروریسم دولتی و بی‌ثبات کردن منطقه است. همچنین مسائل داخلی ایران، استبداد سیاسی و بگروگان گرفتن مردم کشور و سرکوب و نقض حقوق و آزادیها آنها است که جامعه ی جهانی باید آنها را در تعامل سیاسی خود با ایران مدنظر داشته باشد.

دیدگاه و نقشه ی راه حزب دموکرات برای ایران آینده کاملاً روشن است. حزب دموکرات کوردستان ایران با تأکید بر اینکه

ایران یک کشور کثیرالملله است، اعتقاد دارد که نظام سیاسی فدرالیسم متضمن اشتراک تشکلهای ملی، مذهبی و دیگر تنوعات این کشور خواهد بود. بمنظور ادغام و یکپارچه ساختن پتانسیل مبارزاتی همه ی ملیتهای ایران بمنظور گذار از جمهوری اسلامی نیز باید یک همپیمانی میان کلیه ی احزاب ترقیخواه سراسری و منطقه‌ای و تشکلهای مدنی داخل کشور ایجاد گردد.

حزب دموکرات بر این باور است که با تجربه گرفتن از اشتباهات و نقایص گذشته، با جلوگیری از مجموعه پدیده‌های منفی و ناخواسته، با انتقاد کردن و انتقادپذیری و صراحت گفتار رهبری و اعضاء در درون حزب، با تغییر و نوگرایی در فرهنگ و سیستم و شیوه ی حزب و کار مشترک، با فراهم ساختن بستر برای شایسته‌سالاری، با ایجاد روحیه ی احساس مسئولیت در خصوص وحدت حزب و تصمیمات آن، با آموزش و تربیت امروزین و بارآوردن افراد با روحیه ی سازگاری و احترام به تنوعات و تمایزات، با خلق فضایی که همه ی افراد حزب را از آن خود بدانند، بحرانها و مشکلات داخلی کاهش یافته و حل و فصل خواهند شد.

حزب دموکرات باید در داخل کشور با مبارزه ی مدنی و توده‌ای مردم به مقابله با رژیم برخیزد و در خارج از کشور با دیپلماسی و بویژه در عراق نیز از طریق گفتگو با طرفهای ذیربط توطئه‌های رژیم را خنثی نماید. اولویت‌های حزبی در خارج از کشور نیز باید کسب دستاوردهای دیپلماتیک

بسود حزب و مسأله ی هویت‌طلبی کورد در کوردستان ایران، ساماندهی یک تشکیلات با دیسپلین، نیرومند و مستحکم حزبی باشد. به همین دلیل در بازنگری ارگانیزم حزبی و کمیته و کیفیت فعالیت‌های حزبی، رسیدن به این اهداف باید در دستور کارمان قرار گیرد.

حزب دموکرات کوردستان ایران بر این امر تأکید می‌ورزد که ضمن حمایت از موضوع حق‌طلبی مشروع کورد در دیگر بخشهای کوردستان، کوردستان ایران و ایران را میدان اصلی مبارزه و رسالت تاریخی خود می‌داند. به همین دلیل ضمن هدف قراردادن کلیت حاکمیت جمهوری اسلامی، در راستای تقویت و ساماندهی فزونتر مبارزه ی مردمی کوردستان ایران و ادامه ی تلاش جهت ایجاد همبستگی بیشتر با ملتها و دیگر نیروهای سیاسی ایران تلاش می‌کند.

مرکز تصمیم‌گیری حزب و ارگانیزم حزب بویژه بخشهای برنامه‌ریزی، تشکیلات و اطلاع‌رسانی با بذل توجه بیشتر به مناطق شمالی و جنوبی کوردستان ایران و مناطق کوردنشین خارج از کوردستان در ایران جهت ارتقاء هرچه بیشتر مبارزه ی ملی و هویت‌طلبانه در این مناطق کوردستان و تقویت پایگاه سیاسی کورد در ایران آینده کوشش بعمل می‌آورد.

باید تشکیلات و ارگانیزم خود را در داخل و خارج از کشور بنحوی سازمان داده و به‌روز نماییم که محیط مناسب، امیدبخش و هدفمندی را برای شرکت آحاد جامعه کوردستان ایران در داخل و خارج از کشور در مبارزه فراهم آوریم.



(جکده‌ای از گزارش سیاسی کنگره ی اتحاد مجدد دموکراتها)

خالد عزیزی:

سرنگونی جمهوری اسلامی باید هدف و پروژه مشترک همه ملیتها و اپوزیسیون ایرانی باشد



(متن سخنان کاک خالد عزیزی در مراسم افتتاحیه کنگره اتحاد دموکراتها)

دوستان عزیز، نمایندگان محترم کنگره!

به کنگره‌ی اتحاد دموکراتها خوش آمدید. این کنگره در حالی برگزار می‌شود که حزب ما، حزب دموکرات کوردستان ایران، هشتادمین سالگرد تأسیس خود را پشت سر می‌گذارد. پیش از هر چیز، درود می‌فرستم به پیشوا قاضی محمد، بنیان‌گذار حزب دموکرات و اولین رئیس‌جمهور کوردستان که با تأسیس حزب دموکرات کوردستان و اعلام جمهوری کوردستان، بنیان ناسیونالیسم و حاکمیت مدرن کوردی را در کوردستان ایران بنا نهاد. درود بر شهدای راه آزادی، دکتر عبدالرحمان قاسملو و دکتر صادق شرفکندی، و همچنین گرامی باد یاد و خاطره تمام شهدای حزب که در این هشت دهه مبارزه، جان خود را فدای آزادی کردند.

درود بر تمام اعضا، کادرها و پیشمرگان حزب، خانواده‌های شهدا و زندانیان سیاسی که الهام‌بخش مبارزه و امید به پیروزی در راه ملت ما هستند. همچنین درود و احترام به تمام مبارزان و زنان و مردانی که با وجود تمام سختی‌ها، همچنان در سنگرهای مختلف مبارزه برای احقاق حقوق ملت کورد در کوردستان ایران فعال هستند.

نمایندگان محترم کنگره!

برگزاری کنگره یکی از مهم‌ترین رویدادهای حزب ماست و فرصتی است برای بررسی سیاستها و استراتژی‌های حزب، ارزیابی عملکرد گذشته، و همچنین تدوین نقشه راهی جدید برای آینده مبارزات حزب. متأسفانه این بار نتوانستیم همه در یک مکان گرد هم آییم، اما امیدوارم این کنگره بتواند به اهداف خود دست یابد و مسیر آینده حزب را با انسجام و برنامه‌ریزی به پیش ببرد.

رفقای گرامی!

حزب دموکرات کوردستان ایران که امروز کنگره جدید خود را برگزار می‌کند، حزبی با سابقه است. طی هشت دهه مبارزه، دستاوردهای بزرگی برای جنبش ملی کورد به ثبت رسانده و اکنون سرمایه‌های ارزشمند در عرصه سیاسی محسوب می‌شود. حزب ما توانسته است، با وجود بحران‌های مختلف و شرایط پیچیده منطقه‌ای، سیاستی پایدار و هوشمندانه را در پیش گیرد. اکنون که

اتحاد دموکراتها محقق شده است، ما باید با تمام توان این انسجام تشکیلاتی را حفظ کرده و آن را در راستای دستیابی به اهداف ملی‌مان تقویت نماییم. یکی از دلایل برجسته‌شدن مبارزه سیاسی و ملی کورد در کوردستان ایران، نقش مهم حزب دموکرات کوردستان ایران در سازماندهی و هدایت مبارزه سیاسی بوده است. این مسئولیتی مهم است که ما باید همچنان برعهده داشته و در راستای تقویت انسجام حزب تلاش کنیم.

اتحاد دموکراتها نتیجه خواست و اراده قوی همه‌ی اعضای حزب بود. به باور من، این اتحاد مسئولیت بزرگی بر دوش ما گذاشته است. برای اینکه در آینده تأثیر بیشتری بر روند تحولات کوردستان و ایران داشته باشیم، باید برای حفظ این اتحاد کوشا باشیم.

دوستان!

حزب ما در این هشت دهه، با وجود دستاوردهای بسیار، خالی از اشتباه نبوده است. حزبی بزرگ و تاریخی مانند حزب دموکرات، با هزاران عضو و صدها کادر و پیشمرگه، ممکن است دچار خطاهایی شود. اما ما باید این اشتباهات را بشناسیم، آنها را نقد کنیم و برای اصلاح آنها برنامه داشته باشیم. ما باید از تجارب گذشته درس گرفته و از تکرار اشتباهات جلوگیری کنیم.

حزب دموکرات کوردستان ایران همواره از طریق مکانیزم‌های دموکراتیک و تشکیلاتی، برای حل مشکلات خود راهکارهایی داشته است. بنابراین، در آینده نیز باید مشکلات را در چارچوب تشکیلاتی و از طریق دیالوگ درون‌حزبی حل کنیم و از جستجوی راه‌حل‌های بیرونی بپرهیزیم.

نمایندگان محترم کنگره اتحاد دموکراتها!

کنگره‌ی ما در شرایطی برگزار می‌شود که جمهوری اسلامی ایران پس از ۴۶ سال تجربه حکمرانی، امروز در تمامی زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، دیپلماتیک و مدیریتی شکست خورده است. نارضایتی عمومی در داخل کشور و بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، سیاست‌های این حکومت را به بن‌بست کشانده است. حزب دموکرات کوردستان ایران،

بخش دوم و پایان

زیرا ما هنوز هم در پی حل مشکل خویش در چارچوب ایران هستیم، به همین دلیل توصیه‌ی من یا عبارتی روشنتر راهکار حزب دموکرات حول این محور است که ما در کوردستان ایران به دوستان بسیاری در خارج از کوردستان نیاز داریم.

در رابطه با جنبش ژینا باید گفت که این جنبش آنگونه که در کوردستان جریان داشت شهرهای خارج از کوردستان را دربرنگرفت و شهرهای بزرگ آنگونه که باید و شاید با آن همراه نشدند. این یکی از مشکلات کل اپوزیسیون ایران است. اپوزیسیون ایران اگر حزب دموکرات که فعال بوده و در میان مردم است و مردم بسیاری را همراه خود دارد را از آن مستثنی کنی، دیگران بخش اعظمشان نخبه و نخبه‌گرا بوده و مخاطبانشان نخبه‌ها هستند. این یکی از مشکلات بزرگ اپوزیسیون ایران است، نخبگان و فعالان سیاسی، بیشتر در سوسیال مدیاها فعال هستند و دیگران قشر دیگر مردم هستند که کمتر با ادبیات و گفتمان و سخن و تحلیل بخش کثیری از اپوزیسیون ایران بویژه اشخاص حاضر در مدیا و تلویزیونهای فارسی زبان همراه باشند. البته در آمریکا نیز چنین اتفاقی رخ داد و ترامپ مردم را خطاب قرار می‌داد و برای آنها سخنرانی می‌کرد ولی کاندیدای دموکراتها، کاملاً هریس خطاب به نخبگان سخن می‌گفت و می‌توانم بگویم که برای ایالت نیویورک و لس‌آنجلس سخنرانی می‌کرد و دیدیم که با اختلاف بسیار بازنده شد. اپوزیسیون ایرانی هنوز نخبگان را خطاب قرار می‌دهد و در میدان عمل حضور ندارد و از جامعه‌ی ایران دور مانده‌است. برای آنکه در عرصه‌ی عمل حضور داشته و با جامعه‌ی ایران نزدیک شود، باید گفتمان‌ش بگونه‌ای باشد که مردم آنرا بپذیرند و از چارچوب شعار خارج شود. مایلم به این نکته نیز اشاره کنم که جامعه‌ی مدنی فعال در کوردستان از جایگاه مطلوبی برخوردار است. این جامعه در تعاملات خویش و رابطه با مبارزان فارس و ترک و دیگران باید بکوشد چنین بیاندیشد و گفتمانی را مطرح سازد که اندیشه‌ی آلترناتیوسازی در داخل کشور را شکل دهد. در چند ماه گذشته در همین تهران شمار کثیری از مردم که بخشی از این سیستم بودند، این سیستم را ترک کرده‌اند و در گفته‌ها و بحث‌ها و تحلیل‌هایشان بسیار صریح هستند. اینان نیز می‌توانند بخشی از این پروژه باشند. ما نباید بخشی از مردمی که با نظام جمهوری اسلامی همراه هستند را در صورتیکه فرصتی پیدا کرد و از آن فاصله گرفت و جدا شد، مورد حمله قرار دهیم. باید به نحوی نقش و جایگاه آنها را مورد توجه قرار دهیم تا این نظام در داخل کشور با مخالفانش رودررو شود.

کورد و هویت‌طلبی در ایران

اندیشه‌ی تأسیس حزب دموکرات کوردستان ایران و جمهوری کوردستان یک موضوع ملی است، مسأله‌ی هویت است و جوهر جنبش ما نیز همین است.

خالد عزیزی:

کوردستان ایران

منشاء الهام و عرصه‌ی اصلی مبارزه‌ی ما است

به همین دلیل حزب دموکرات کوردستان ایران نه تنها در این مورد کم نیآورده‌است، بلکه هنوز هم سمبل این جنبش محسوب می‌شود و در بعد هویت به پیش می‌رود. علاوه بر فعالیت جهت تثبیت میدانی این هویت به مؤسسات بیشتری نیاز هست. پروژه‌ی ملت‌سازی به مفهوم سیاسی آن در کوردستان ایران باید در پرتو این امر به پیش برود. ملت‌سازی بدین معنا که تنوعات درون کورد اعم از تمامی مناطق و گویشها باید در تعامل با دولت مرکزی آنرا به این قناعت برساند که یک کوردستان را در مقابل خود دارد. بعنوان نمونه در بسیاری از برداشتهای نظام جمهوری اسلامی حتی در مذاکراتی که گهگاه انجام می‌پذیرفت، آنها از زبان مادری سخن می‌راندند و در این زمینه هدف مشخصی داشتند. دوران شاه گفته می‌شد بکوشیم در استانهای گوناگون با لهجه‌های مختلف کوردی رادیو تأسیس شود و با لهجه‌ی ایلامی و کرمانشاهی و آنچه که ما می‌گوییم شکاک یا دیگر مناطق برنامه پخش کند تا زبان متحد کوردی درست نشود. این امر به ما می‌گوید که باید بکوشیم بخشی از این هویت‌سازی و فعالیت و ایجاد گفتمان واحد یا این مؤسسات متحد و یکپارچه در داخل کشور انجام پذیرد.

ضعف فعلی ایران و تأثیرات آن بر مسأله‌ی کورد

شکست و عقب‌نشینی‌های اخیر جمهوری اسلامی می‌تواند برای ما مؤید این نکته باشد که تلاش و مبارزه‌ی جنبش کورد و حزب دموکرات و پیشینه‌ی پرافتخار پیشمرگان حزب دموکرات و تحولات مدنی در داخل کشور در واقع می‌رود تا به نتایج خود دست یابد. منتها معتقدم که تحولات و مسأله‌ی سرنگونی جمهوری اسلامی را به کوردستان محدود نسازیم. ما به تنهایی بار این همه مسائل را بر دوش نکشیم که جامعه‌ی ایران تنها از ما تعریف و تمجید نمایند که کوردها انقلابی و زرنگ هستند و عقب نمی‌نشینند و در اعتصاب و تظاهرات و... در صف اول قرار دارند. ما باید وارد معادلات شده و آنها را بیشتر مؤلف سازیم، وگرنه اگر قرار باشد که این موضوع به امر واقع تبدیل شده و بر همین منوال پیش برویم و مسأله فقط در کوردستان باقی مانده و فشارها تنها متوجه کوردستان باشد و فقط ما متحمل هزینه شویم، در واقع این امر برای ما گران تمام خواهد شد.

درست است که شعور ملی و ناسیونالیسم کوردی در ایران پیشرفت بسیاری داشته‌است. نخستین حزب مدرن و جمهوری کوردستان در آنجا تأسیس شده‌اند و بخشی از این مهم در حیات سیاسی حزب دموکرات و دیگر جریانها به یک فرهنگ تبدیل شده است. ما یک واقعیت را قبول کرده و یا بر ما تحمیل شده‌است و آن اینکه اگر کورد یک ملت است که چنین نیز هست و کوردستان نیز یک خاک است که آن نیز چنین است، اما در بعد سیاسی هرکدام از بخشهای

اورارتو دلشین

مقدمه

حزب دمکرات کوردستان ایران، با سابقه‌ای طولانی از مبارزه برای آزادی و حقوق ملت کورد، همچنان یکی از نیروهای کلیدی در تحولات سیاسی کوردستان و ایران محسوب می‌شود. این حزب نه‌تنها در عرصه سیاسی و نظامی حضور فعال دارد، بلکه به‌عنوان نماد مقاومت در برابر رژیم جمهوری اسلامی ایران شناخته می‌شود. در این میان، کنگره 17 حزب دمکرات کوردستان ایران، که با نام “کنگره‌ی اتحاد دموکراتها” برگزار شد، یکی از نقاط عطف مهم در تاریخ این حزب به شمار می‌رود. این کنگره که در 15 بهمن 1403 (3 فوریه 2025) آغاز و در 16 بهمن (۴ فوریه) به پایان رسید، علاوه بر بررسی دستاوردهای گذشته، راهبردهای جدیدی را برای آینده حزب و جنبش کوردستان ترسیم کرد.

برگزاری کنگره 17 و دستاوردهای کلیدی آن

کنگره 17 حزب دمکرات در شرایطی برگزار شد که منطقه در حال تغییرات گسترده‌ای است. از سقوط رژیم بشار اسد و تغییر موازنه‌های قدرت در سوریه، تا



ادامه صفحه ۴

کوردستان سرنوشت ویژه‌ای دارد. دلیل آن نیز این است که کوردستان ایران یا شرق کوردستان مسیر و شیوه‌ی خود را داراست و حل قضیه‌ی کورد در ایران ابراز ویژه‌ی خود را می‌طلبد. حل مسأله‌ی کورد در عراق نیز – که تا حدودی حل شده و اکنون نیز همواره در حال پیشرفت است – شیوه و راهکار خود را دارد. در سوریه و ترکیه نیز همین ویژگی مطرح است، به همین دلیل من معتقد نیستم که باید کپی برداری کنیم و بگوییم که کپی راه حل عراق یا راه حل سوریه یا ترکیه یا ایران در دیگر مناطق نیز عملی باشد. از نظر اصولی و پرنسیپ، حزب دمکرات در امور داخلی هیچکدام از دیگر بخشهای کوردستان دخالت نمی‌کند و در عین حال نیز از راه حل مسالمت‌آمیز برای هرکدام از بخشهای کوردستان در پرتو برسمیت شناختن حقوق ملی کورد در ایران کشورها حمایت می‌نماید. حزب دمکرات همواره تلاش کرده فاکتوری باشد برای وحدت و یکپارچگی و به همین ترتیب هم انتظار داریم احزاب دیگر بخشهای کوردستان نیز در قضیه‌ی کورد در ایران دخالت نکنند، زیرا این امر مشکلات را افزایش داده و موضوع را پیچیده تر خواهد کرد. در حقیقت من در بعد بین‌المللی نیز در حال حاضر راه حل واحدی برای قضیه‌ی کورد نمی‌بینم، به همین دلیل معتقدم که در راستای حل و فصل مسأله‌ی کورد در ایران انرژیها را در داخل کشور و در چارچوب کوردستان ایران صرف نماییم.

درسهای سرنگونی حکومت بشار اسد

درس اول آنست که رژیم بشار اسد آلترناتیو داشت، یک حکومت در سایه داشت، آیا در ایران قادر به اینکار خواهیم بود؟ بیایید تلاش کنیم که هرچه زودتر آنچه را که در توان داریم صرف تشکیل

تحولات در ایران و فشارهای بین‌المللی بر جمهوری اسلامی، همه این عوامل باعث شده‌اند که حزب دمکرات نقشی حیاتی در تعیین سرنوشت سیاسی کوردستان ایفا کند. این کنگره نشان داد که حزب دمکرات با حفظ وحدت و انسجام خود، همچنان یکی از تأثیرگذارترین احزاب در صحنه سیاسی کوردستان و ایران باقی خواهد ماند.

انتخاب رهبری جدید و تأثیر آن بر آینده حزب

یکی از مهم‌ترین موضوعات این کنگره، انتخاب رهبری جدید حزب دمکرات بود. این انتخاب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا می‌تواند تأثیر مستقیمی بر آینده سیاسی حزب و روند مبارزاتی آن داشته باشد. رهبری جدید باید بتواند ضمن حفظ انسجام داخلی حزب، ارتباطات مؤثری با سایر گروه‌های سیاسی کورد و همچنین نیروهای بین‌المللی برقرار کند. انتخاب رهبری جدید در این کنگره، بار دیگر تأکید کرد که حزب دمکرات، همچنان به اصل مردم‌سالاری داخلی و مشارکت فعال اعضا پایبند است و تصمیمات کلان در یک فرآیند دموکراتیک گرفته می‌شوند.

قویت همبستگی داخلی و استراتژیهای آینده

آلترناتیو نماییم و اگر امکان داشت یک حکومت در سایه تأسیس نماییم و به مردم ایران بگوییم که آلترناتیو وجود دارد و جامعه‌ی جهانی نیز بداند که اگر نظام جمهوری اسلامی سرنگون شد ما نگران نمی‌شویم و آلترناتیو وجود دارد. درس دوم به مسأله کورد ارتباط دارد. من در امور داخلی کورد در سوریه دخالت نمی‌کنم و خودشان به اوضاع خویش واقف هستند و دارای یک حاکمیت دفاکتو بوده‌اند. بنظر من آنها می‌توانند با حکومت مرکزی تعامل نمایند و میزان موفقیت در این معاملات نهفته است. بخشی از سیاست معامله است و معامله با دولت مرکزی برای آنکه بقوت خود باقی بوده و متضرر نشوند و تجربه‌ی آنها می‌تواند برای ما در آینده‌ی ایران نیز مفید باشد اگر نظام جمهوری اسلامی در میان نماند و ما نیز احتمالاً با یک دفاکتو مواجه شدیم، در کوردستان حاکمیت را در دست داشته باشیم، همچنانکه در دوران پس از انقلاب ایران اداره‌ی امور را در دست داشتیم. اما چگونه با نظامی که در تهران برسرکار خواهد آمد تعامل کنیم، مشروط بوده و ما نیز شرط و شروط خود را داریم. به همین دلیل آنها در سوریه برای دیگر بخشها نیز مهم است.

در خصوص مذاکرات حکومت ترکیه با اوجلان

سرآغاز خوبی است. بیایید تئوری توطئه و توازنات بین‌المللی را کنار بگذاریم. در پارلمان ترکیه از مسأله‌ی کورد سخن بمیان می‌آید و دولت باخچلی بعنوان یک ترک تندرو به این نتیجه رسیده است که مسأله‌ی کورد باید حل و فصل شود. می‌توان این عقلانیت را ما نیز در ایران قوت بخشیم و غیر کوردهای ایرانی و شخصیت‌هایشان در تهران و در میان ترکها نیز وارد این موضوع شوند. عرصه باید با این موضوع همگام شود و اندیشه‌ی

یکی دیگر از پیامدهای مثبت کنگره 17، تقویت انسجام داخلی حزب بود. در سالهای اخیر، رژیم جمهوری اسلامی همواره تلاش کرده است که میان نیروهای کورد تفرقه ایجاد کند و حزب دمکرات را از داخل با چالشهای مختلف روبه‌رو سازد. اما این کنگره نشان داد که حزب دمکرات نه‌تنها دچار ضعف یا اختلافات داخلی نیست، بلکه با وحدت و همبستگی بیشتر، آماده است تا فعالیت‌های سیاسی و نظامی خود را در سطح گسترده‌تری ادامه دهد.

چالشهای جدید و راهبردهای مقابله با تهدیدات رژیم ایران

پس از این کنگره، حزب دمکرات با چالشهای تازه‌ای مواجه خواهد شد. افزایش فشارهای امنیتی جمهوری اسلامی، یکی از تهدیدات جدی پیش روی حزب است. انتظار می‌رود که رژیم ایران، پس از مشاهده انسجام و قدرت سازمانی حزب دمکرات، اقدامات سرکوبگرانه بیشتری را علیه نیروهای این حزب در داخل ایران انجام دهد. در چنین شرایطی، حزب دمکرات باید از تاکتیکهای نوین سازمانی، توسعه شبکه‌های ارتباطی داخل ایران، و استفاده از ظرفیتهای دیپلماتیک بین‌المللی بهره بگیرد تا همچنان نقش تعیین‌کننده‌ای در آینده تحولات ایران داشته باشد.

گسترش پایگاه مردمی و تعاملات منطقه‌ای

یکی از نکات کلیدی که در این کنگره بر آن تأکید شد، توسعه پایگاه مردمی حزب و جلب حمایت‌های داخلی و بین‌المللی بود. حزب دمکرات همواره متکی به حمایت مردم کوردستان بوده و در شرایطی که جنبشهای اعتراضی در ایران گسترش یافته‌اند، نقش این حزب در سازماندهی و هدایت اعتراضات مردمی می‌تواند پررنگ‌تر شود. این موضوع نیازمند تقویت ارتباطات میان حزب و مردم در داخل ایران است. علاوه بر این، تعامل با نیروهای کورد در سایر بخشهای کوردستان و همچنین همکاری با کشورهای غربی و سازمانهای بین‌المللی از دیگر محورهایی است که حزب باید در آینده بر آن تمرکز کند.

تأثیر تحولات منطقه‌ای بر حزب دمکرات

تحولات اخیر در منطقه، به‌ویژه در سوریه، عراق و ترکیه، می‌توانند مستقیماً بر فعالیت‌های حزب دمکرات تأثیر بگذارند. با سقوط بشار اسد و تضعیف نفوذ ایران در سوریه، جمهوری اسلامی مجبور شده است که تمرکز بیشتری بر داخل ایران و مناطق مرزی داشته باشد. این مسئله می‌تواند به افزایش فشارهای

ایران را قبول می‌کرد و بعد گسترده‌تری به آن می‌داد. به اعتقاد من برنده‌ی جرج تاون فقط او بود و دیگران همگی بازنده شدند. چرا؟ زیرا خود را مطرح ساخت و از جنبش ژینا نهایت استفاده برد و رسانه‌های انگلیسی و فارسی به وی روی آورده و برای او تبلیغ کردند. یعنی دوباره به بازار بورس سیاست بازگشت. مایلیم اضافه کنم که این برداشت ما در مورد پسرشاه بدین معنا نیست که ما به طرفداران پسرشاه خصومت می‌ورزیم. حزب دمکرات با نرفتن به جرج تاون بدلیل عقلانیتی که آنها را بدور یکدیگر گردآورده‌بود، سیاست درستی را دنبال کرد. جرج تاون هیچگاه به چیز مطلوبی تبدیل نمی‌شد و اینکه شکست خورد حامل پیامی بود و آن اینکه این عقلانیت نمی‌تواند به آلترناتیو آینده‌ی ایران تبدیل شود و ما با اینگونه عقلانیت پیش نمی‌رویم.

مسأله‌ی داخلی کورد و آلترناتیو مرکز همکاری

همین الآن حزب دمکرات دور دیگری از نشست و گفتگو با دیگر نیروها را آغاز کرده‌است. در مدت یکی دو هفته‌ی گذشته حتی پروژه‌ای را آماد کرده‌ایم که با دیگر نیروها درمیان بگذاریم. این پروژه به آسیب شناسی مناسبات گذشته‌ی ما نیاز دارد. ما کوردها در آسیب شناسی و اعتراف به اشتباهات خویش یا تنبل هستیم و یا شهامت آنرا نداریم. این اعتراف باید همه را شامل شود تا سهم هرکدام از ما مشخص گردد و شاید این امر زمینه‌ی ایجاد یک آلترناتیو کوردی را فراهم سازد تا از آن جهت تعامل با دیگر جریانهای ایرانی و حتی در بعد بین‌المللی بهره برداری شود.

کوردستان ایران بعنوان کانون و عرصه‌ی اصلی

داخل کوردستان ایران منشاء الهام و عرصه‌ی اصلی مبارزه‌ی ما است و خواهد

• شماره: ۸۸۹

۳۰ بهمن ۱۴۰۳ _ ۱۸ فوریه ۲۰۲۵

کنگره ۱۷ حزب دمکرات کوردستان ایران و نقش آن در آینده‌ی سیاسی کوردستان و ایران

امنیتی بر نیروهای کورد منجر شود. از سوی دیگر، گسترش همکاریهای اسرائیل با گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی، به‌ویژه در منطقه، می‌تواند فرصتی برای حزب دمکرات باشد تا از طریق دیپلماسی، از این تغییرات به نفع خود بهره ببرد.

پیام کنگره 17: امید به آینده و مبارزه برای آزادی

در نهایت، کنگره 17 حزب دمکرات کوردستان ایران، بار دیگر نشان داد که این حزب همچنان در مسیر مبارزه برای آزادی و حقوق ملی کوردها ثابت‌قدم است.

حزب دمکرات، با انتخاب رهبری جدید، تقویت همبستگی داخلی، مقابله با تهدیدهای رژیم ایران، و گسترش حمایت‌های مردمی و بین‌المللی، وارد مرحله‌ای تازه از فعالیت‌های خود شده است.

با پایان این کنگره، حزب دمکرات نه‌تنها گذشته خود را مرور کرده، بلکه نقشه راه آینده را نیز ترسیم کرده است. حالاً این حزب با انسجام قوی‌تر، استراتژی‌هایی دقیق‌تر، و چشم‌اندازی روشن‌تر، آماده است تا در تحولات سیاسی آینده ایران و منطقه نقشی کلیدی ایفا کند.

بود. حزب دمکرات، پیشوایش، قاضی محمد به پای چوبه‌ی دار برده‌شد، دکتر عبدالرحمن قاسملویش را برسر میز مذاکره از دست داد، دکتر شرفکندی‌اش ترور شد، همچنین ما هدف حملات موشکی قرار گرفتیم و صدها کادرمان ترور و هزاران پیشمرگمان شهید شدند، اما این حزب همچنان برجای خود باقی مانده و از پا نایستاده‌است، چه چیزی موجب این امر شده‌است؟ داخل کشور، جایی که حزب دمکرات در آن پا به حیات نهاده‌است. بنابراین اگر چنین است، این آنجا است که با جمهوری اسلامی تصفیه حساب می‌کند. هنگامیکه هدف حملات موشکی قرار گرفتیم، گفتیم که ما موشک نداریم که به آنها پاسخ دهیم، اما صدها هزار نفر از مردم را همراه خود داریم و دقیقاً جمهوری اسلامی نیز با این موضوع مواجه شد. به همین دلیل به اعتقاد من این باید یک اصل ما باشد و همانجا منبع تغذیه‌ی حزب دمکرات و عامل بقای حزب دمکرات است و همانجا نیز هست که می‌تواند پیام خوبی به نظام حکومتی و حتی جامعه‌ی جهانی ارسال نماید.

وظائف حزب دمکرات

حزب دمکرات در ابتدای امر باید با دیگر احزاب کورد مناسبات بهینه‌ای داشته‌باشد و اگر در گذشته در خصوص یک پروژه‌ی مشترک موفق نبوده‌ایم، بیشتر تلاش کنیم. حزب دمکرات باید در پروژه‌ی آلترناتیوسازی ایران بی‌تفاوت نباشد و همزمان با دو چهره دو شیوه با جامعه‌ی جهانی تعامل نماید. ما در قبال کیفیت آلترناتیو قدرت در آینده‌ی ایران بی‌تفاوت نیستیم، اما در عین حال مسأله‌ای داریم بنام مسأله‌ی کورد در کوردستان ایران و تمام هم و تلامشان در راستای تحقق دمکراسی در ایران و حقوق ملی سیاسی خویش است.

ذهن کوردی، آنتولوژی، پارادایم‌ها



شاهو حسینی

و بر تفکر، تصمیم‌گیری و فهم و آگاهی فرد تاثیر می‌گذارد. در واقع مجموعه‌ای از پارادایم‌ها فرم دهنده به ذهن به مثابه یک پدیده روان‌شناختی، اجتماعی، فرهنگی و فلسفی هستند.

آنتولوژی ذهن کوردی

نگاه آنتولوژیک به ذهن کوردی در واقع دربرگیرنده درک فلسفی و معرفتی کوردها از وجود و معنای زندگی می‌باشد، عناصر این فهم و درک بدون شک: زمین، تاریخ و هویت ملی هستند. یکی از جنبه‌های آنتولوژی ذهن کوردی نوع رابطه کوردها با کوردستان هست، کوردستان برای کوردها صرفاً یک جا، مکان و منبع زیستی نیست، بلکه یک وجود مقدس و معنوی است که دربرگیرنده بخشی از هویت و وجود انسان کوردی است، در نگاه فرد کورد، کوردها و ملت کورد از سرزمین غیرقابل تفکیک هستند، به عبارتی دیگر کوردستان و طبیعت کوردستان بخش جدایی‌ناپذیر هویت فردی و ملی کوردی هستند. بنابراین نگاه آنتولوژیک به ذهن کوردی، تاکید بر پیوستگی انسان کوردی با کوردستان در معنای "هویت‌مندی" در خود دارد. یعنی در واقع دربرگیرنده هم‌زیستی و هم‌پیوندی انسان کوردی با کوردستان است. یکی دیگر از جنبه‌های ذهن کوردی ظهور وجود کوردی و جوهر زندگی کوردی در هویت ملی است، تقابل و چالش‌های فراوی کوردها و کوردستان در طول تاریخ همچون استعمار، استثمار، تبعیض و انکار توسط دیگری کوردی همواره منجر به پیوستگی و همبستگی رادیکال با هویت ملی در میان سوژه کوردی گشته، در واقع ملی‌گرایی کوردی به مثابه هویت رادیکال و محصول رابطه اینترسوپژکتیف میان سوژه‌های کوردی، شکل‌گرفته و احساس همبستگی و پیوستگی با آن بسیار قوی‌تر از حس تعلق خاطر به هویت فردی است. به همین دلیل تلاش و مبارزه برای حفظ هویت ملی، فرهنگی و زبانی کوردی برای فرد کورد بخشی جدایی‌ناپذیر از مبارزه سوژه کوردی مبارزه‌ای دائمی برای حفظ هویت است و حفظ هویت بخشی جدایی‌ناپذیر از مبارزه برای آزادی است. یکی دیگر از جنبه‌های ذهن کورد در نگاه آنتولوژیک تاریخ است، تاریخ نقش بسیار مهمی در ذهن کوردی دارد، در واقع نبردها خود و جلوگیری از نابودی بخش مهمی از تاریخ کوردی هستند، به همین دلیل روایت تاریخی و تاریخ به بخش مهمی از نگاه آنتولوژیک ذهن کوردی تبدیل شده است، حماسه‌ها، اساطیر، داستان‌ها بخش مهمی از نقاط عطف در تفسیر، تحلیل و درک معنای زندگی و وجود از منظر سوژه کوردی هستند. وجود سوژه کوردی بدون تردید ریشه در گذشته‌ای سرشار از حماسه و مبارزه معنا پیدا می‌کند، که برای او مفهومی از وجود به دست می‌دهد که پیوسته با بقای فرهنگی و ملی او است. یکی دیگر از جنبه‌های آنتولوژیک ذهن کوردی مفهوم آزادی است، در واقع آزادی یکی از ارکان اساسی مبارزه سیاسی، اجتماعی و تلاش برای استقلال کوردهاست، نقش آزادی در ظهور وجود کوردی تا آنجاست که عملاً امکان ظهور وجود کوردی بدون

ذهن به مثابه مجموعه‌ای از پارادایم‌ها شامل ارزش‌ها، هنجارها و تجربیات فردی می‌باشد که در تفسیر و تحلیل فرد از خود و جهان نقش دارد و برآیند و برآمده از تجربه‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی است. ذهن به مثابه مجموعه‌ای از پارادایم‌ها در واقع برآمده از پیشینه تاریخی، زبانی، فرهنگی و تجربیات زیست مشترک مجموعه‌ای از انسان‌ها در قالب یک ملت است. برای نمونه وقتی از "ذهن کوردی" سخن می‌گوییم به ویژگی‌هایی همچون فهم، خرد، آگاهی جمعی، تاریخی، حس تعلق به یک میراث فکری، فرهنگی و اجتماعی، احساس تعلق خاطر به تعلقات ملی و سیاسی خاص اشاره می‌کنیم. از نظر روان‌شناختی ذهن کوردی اشاره به احساس تعلق به سرزمین کوردستان و فرهنگ کوردی دارد که منجر به شکل‌گیری هویت رادیکال کوردی و خصلت مبارزه جویانه‌اش گشته است. از نظر معرفتی ذهن کوردی اشاره به آزادی، سوژه‌گی، خودبنیادی و استقلال خودپردازی فرد کوردی دارد. در واقع شرایط تاریخی و سیاسی کوردستان همچون اشغالگری اشغالگران کوردستان، جنگ‌ها و نسل‌کشی‌های مسمت در کوردستان بر این فرم از خصوصیت روان‌شناختی و نگاه فلسفی کوردها تاثیرگذار بوده است. این روندها منجر به بروز خصوصیت‌هایی همچون مقاومت‌گری، مبارزه‌گری، بی‌اعتمادی به دیگری و نفی سلطه‌پذیری گردیده. در حوزه فلسفی ذهن کوردی خود، جهان و دیگری را از دریچه زبان، تاریخ و تجربه مشترک فرهنگی جامعه کوردی معنا و تفسیر می‌کند و نحوه تعامل یا تقابل با آن را بر می‌گزیند. پارادایم‌ها نقشی اساسی در ظهور و گسترش ذهن به مثابه پدیده‌ای روان‌شناختی و فلسفی دارند. پارادایم‌ها در واقع الگوها و چارچوب‌هایی ذهنی هستند که در درون آنها به یک اندیشه یا سیستم فکری فرم داده می‌شود. به عبارتی دیگر پارادایم‌ها مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها و هنجارها هستند که در یک دوره زمانی یا تاریخی در یک حوزه ذهنی، اجتماعی، سیاسی یا فرهنگی غالب هستند. به‌طور خلاصه پارادایم‌ها دیدگاه‌هایی کلی هستند که شیوه تفکر و تحقیق در مورد موضوعات مختلف را در یک دوره زمانی یا تاریخی هدایت می‌کنند. در زمینه ذهن پارادایم‌ها دربرگیرنده الگوهای فکری و ساختارهای ذهنی هستند، که فرد با کمک آنها به عنوان اپیستمه و بر اساس آنها جهان را درک کرده، به فهم و شناخت نائل می‌گردد. در واقع این الگوها و چارچوب‌های ذهنی تبدیل به بخشی از ضمیر ناخودآگاه گشته



در برابر سختی‌ها قرار گرفته است. این پارادایم اشاره به گونه‌ای از آگاهی و خرد دارد که در آن کوردها توانایی خود را برای ادامه مقاومت و رویارویی با مشکلات همواره جدی می‌بینند. تاب‌آوری به‌عنوان یکی از عناصر برجسته ذهن کوردی، به ویژه در برابر مشکلات اجتماعی و سیاسی، امروزه نیز در رفتار و انتخاب‌های آنها برای تداوم مبارزه خود را نشان می‌دهد.

به "هیچ دوستی به‌جز کوهستان" در ذهن فرد کوردی اشاره به نوعی تفکر در انسان کوردی است، که طبیعت بهترین، امن‌ترین و قابل‌اعتمادترین محافظ و نگهبان انسان کوردی است. بنابراین ارتباط فرد کوردی با کوردستان ارتباطی روحانی است، کوردستان نه تنها محل تولد، تامین غذا و زندگی که مکان و مجالی برای مبارزه و هویت‌یابی فرد کوردی است.

آزادی در فرم دادن به خود، هویت‌بخشی به خود و خود معنابخشی وجود ندارد. به عبارتی دیگر تنها در آزادی است که امکان بروز و ظهور وجود کوردی وجود دارد. به‌طورکلی می‌توان گفت که آنتولوژی ذهن کوردی ارتباط، پیوستگی و همبستگی رادیکالی با هویت ملی، فرهنگی، مفهوم آزادی، کوردستان و تاریخ دارد و در چارچوب این ارتباط و پیوستگی است که فرد کوردی این امکان و توانایی را دارد که نگاهی متفاوت و مستقل به وجود کوردی داشته باشد و آن را عمیقاً بتواند درک کند.

پارادایم‌ها ذهن کوردی

پارادایم‌های ذهنی که براساس آنها ذهن کوردی شکل‌گرفته، اساساً تحت تاثیر تاریخ، فرهنگ، زبان، جغرافیا و تجربه‌های جمعی جامعه کوردی شکل‌گرفته‌اند. این پارادایم‌ها به شیوه تفکر، نگاه، احساسات و رفتار کوردها در برابر خود و جهان پیرامون‌شان اشاره دارند. برخی از این پارادایم‌های مهم ذهن کوردی را که می‌توان در فلسفه، روان‌شناسی و فرهنگ کوردی مشاهده کرد، عبارتند از:

الف: پارادایم هویت جمعی و ملی کوردی
در ذهن فرد کوردی، هویت جمعی و ملی بدون تردید جایگاه تعیین‌کننده‌ای دارد. این پارادایم به هویت ملی کوردی به مثابه یک واحد فرهنگی و اجتماعی مستقل و مقاومت‌گر اشاره می‌کند. در این نگاه، فرد کوردی نه‌تنها از طریق هویت فردی خود که از طریق هویت ملی‌اش نیز شناخته می‌شود. یعنی خصوصیت اجتماعی جامعه کوردستان نقش تعیین‌کننده‌ای به هویت جمعی در مقابل هویت فردی داده. به همین دلیل هویت جمعی، برخلاف رویکردهای فردگرایانه، اهمیت زیادی دارد و اساساً باور به «وجود جمعی» و «هویت ملی» به عنوان عناصری بنیادین در ساختار روانی و اجتماعی کوردها نقش تعیین‌کننده‌ای را ایفا می‌کنند.

ب: پارادایم همبستگی و پیوستگی با کوردستان
ارتباط کوردها با کوردستان به‌دلیل خصلت سرزمینی که بهترین و امن‌ترین پناهگاه برای کوردها بوده و تامین‌کننده ثبات امنیتی در طول تاریخ بوده، پیوستگی و ارتباطی عمیق و معنوی می‌باشد. باور

پ: پارادایم مبارزه برای آزادی

شاید هیچ مفهوم و تجربه‌ای به اندازه آزادی برای کوردها به دلیل خصلت ژئوپولیتیکی کوردستان ملموس نبوده، غیبت حکمرانی مستمر، اقتدار حکومتی و قدرت بوروکراتیک همواره فرصتی عالی برای آزاد زیستن و رهایی از یوغ قدرت برای کوردها فراهم کرده، به‌همین دلیل مفهوم آزادی برای کوردها ارزشی برتر است، این مفهوم بعدها و پس از اشغال کوردستان در مواجهه مردم کورد با سرکوب‌ها، محدودیت‌های سیاسی و اجتماعی و تلاش اشغالگران برای آسمیله‌کردن کوردها رشد و گسترش بیشتری یافت و اهمیت دو چندان پیدا کرد. مبارزه با سلطه نامشروع و تلاش برای کسب حق تعیین سرنوشت ملی برجسته‌ترین ویژگی‌های پارادایم مبارزه برای آزادی در ذهن کوردهاست.

ت: پارادایم تاریخ به مثابه بن‌مایه هویت
تاریخ شاید تنها مرز انفکاک میان هویت حقیقی کوردها با هویت برساخته اشغالگران کوردستان است، گذشته برای کوردها در اساطیر، داستان‌ها، و ادبیات شفاهی (حه‌یران، بهیت، گله‌و... و...) همواره زنده و قابل لمس است. تاریخ برای کوردها تنها روایت زندگی گذشتگان نیست، بلکه حافظه جمعی مبارزه برای بودن، شدن و گذار از چالش‌ها و جنگ‌ها بوده، تاریخ آن عنصر زنده قابل اتکا و اعتماد است که به بازیابی و بازنمایی هویت حقیقی کوردها در برابر هویت جعلی و برساخته اشغالگران کوردستان کمک کرده و می‌کند، در واقع تاریخ مهم‌ترین عنصر هویت‌یابی و هویت‌مدنی کوردها است.

ث: پارادایم مقاومت

در طول تاریخ، کوردها همواره با بحران‌ها و چالش‌های سیاسی و اجتماعی مواجه بوده‌اند. از جنگ‌ها و هجوم اشغالگران گرفته تا سرکوب‌های نظامی، آسمیلاسیون، انکار و نسل‌کشی، به همین دلیل ذهن کوردی بسیار تحت تأثیر مفهوم تاب‌آوری و مقاومت

ج: پارادایم عشق

عشق مفهومی عمیق و رادیکال با زندگی کوردی دارد، محدودیت‌ها، دشواری‌ها و چالش‌های پیش‌روی زندگی کوردی در طول تاریخ، زندگی انسان کوردی را با عشق به مثابه احترام و وابستگی در آمیخته است، امکان انتخاب‌های محدود و تنگناهای بسیار در فرصت دسترسی به امکانات انسان کوردی را وابسته به داشته‌ها و احترام به داشته‌ها کرده. خانواده و عشیره در گذشته شاید مهم‌ترین داشته‌های انسان کوردی بود که خود را آن تعریف و معنا می‌بخشید، به همین دلیل رابطه، پیوستگی همبستگی معنادار و عمیقی میان فرد کورد، خانواده و عشیره برقرار بوده، انسان کوردی همواره آماده فداکاری برای خانواده و عشیره بوده، به‌خصوص در زمان چالش‌ها و مشکلات و تهدیدات.

ج: پارادایم دیالکتیک

تضاد و دوگانگی همواره در ذهن انسان کوردی وجود داشته، امروزه این تضاد خود را در قالب کشمکش و تضاد میان سنت و مدرنیته، تغییرات اجتماعی، هویتی و فکری نشان می‌دهد. این تضاد و کشمکش در ذهن انسان کوردی موجب شکل‌گیری تفکر دیالکتیکی شده که در آن انسان کوردی برای یافتن راه‌حل این تضادها به دنبال یک فرمول نباشد و پلورالیزم در راه‌حل را بپذیرد، در واقع تفکر دیالکتیکی در ذهن انسان کوردی به معنای نهادینه شدن پلورالیزم، مشروعیت آزادی و سوژه‌گی می‌باشد. به‌طورکلی می‌توان گفت که ذهن کوردی ترکیبی از پارادایم‌های هویت‌جمعی، تاریخ، مبارزه برای آزادی، تاب‌آوری در برابر بحران‌ها و تفکر دیالکتیک است، که به شکل خاصی در فرهنگ و تفکر کوردی تجلی می‌یابند و بر رفتارهای، کنش‌ها و واکنش‌های انسان کوردی در دوره‌های تاریخی و زمان‌های متفاوت تاثیرات متفاوت گذاشته است.

ادامه صفحه ۲

سطح ملی: ایران کشوری چندملیتی است که متشکل از ملل و اقوام مختلفی چون کوردها، ترک‌ها، بلوچ‌ها، عرب‌ها، فارس‌ها و… است. در این سطح، پلورالیسم به معنای پذیرش این تنوع و تأمین حقوق برابر برای همه‌ی ملل ایران در چهارچوب حق تعیین سرنوشت است.

سطح سیاسی: درون هر یک از این ملل، جریان‌های مختلف سیاسی و فکری وجود دارند که ممکن است دیدگاه‌های متفاوتی داشته باشند. پلورالیست فرد یا جریانی است که این تفاوت‌ها را به رسمیت می‌شناسد، به حقوق دیگران احترام می‌گذارد و خواهان ایجاد ساختاری است که در آن تمامی گروه‌ها بتوانند آزادانه عقاید خود را بیان کنند.

● به نظر شما پیامدها و مزایای یک نظام پلورالیستی بر جامعه‌ی چندملیتی ایران چه خواهد بود؟

ایران به عنوان کشوری چندملیتی و چندفرهنگی، اگر به سمت نظامی پلورالیستی حرکت کند، می‌تواند از مزایای متعددی بهره‌مند شود:

۱. افزایش همبستگی و کاهش تنش‌های ملی و قومی سرکوب فرهنگی و زبانی ملل غیر فارس در طول تاریخ باعث ایجاد شکاف‌های عمیق اجتماعی شده است. نظام پلورالیستی می‌تواند با به رسمیت شناختن حقوق ملی و فرهنگی همه‌ی گروه‌ها، این شکاف‌ها را کاهش داده و همزیستی مسالمت‌آمیز را تقویت کند.

۲. ایجاد دموکراسی واقعی و مشارکت سیاسی برابردر حال حاضر، عملاً هیچکدام از ملل غیر فارس تشکیل دهنده ایران در ساختار سیاسی کشور تاثیری ندارند در یک نظام پلورالیستی، همه‌ی گروه‌ها می‌توانند به طورهادلانه در قدرت سیاسی مشارکت داشته باشند.

۳. توسعه‌ی اقتصادی و کاهش محرومیت‌ها،

درنظام‌های تمرکزگرا، منابع اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌ها عمدتاً در مناطق مرکزی کشور متمرکز می‌شوند. اما در یک نظام پلورالیستی، توزیع منابع به طور عادلانه‌تری صورت گرفته و امکان توسعه‌ی اقتصادی مناطق قومی-ملی فراهم می‌شود.

۴. حفظ و تقویت هویت‌های فرهنگی و زبانی

در یک نظام پلورالیستی، زبان‌ها و فرهنگ‌های ملل تشکیل دهنده کشور به رسمیت شناخته شده و امکان آموزش به زبان مادری، حفظ سنت‌ها و توسعه‌ی فرهنگی وجود خواهد داشت.

۵. کاهش تهدیدات خارجی و افزایش امنیت داخلی

بسیاری از تنش‌های داخلی ایران به دلیل سرکوب هویت‌های ملی است که موجب ایجاد بحران‌های امنیتی شده است. نظام پلورالیستی با تأمین عدالت اجتماعی، از نفوذ نیروهای خارجی و ایجاد بی‌ثباتی در کشور جلوگیری خواهد کرد.

● چالش‌های روبروی نهادهینه کردن نظام پلورالیستی در جغرافیای سیاسی ایران چیست؟

برقراری یک نظام پلورالیستی درایران با چالش‌های متعددی مواجه است که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. ساختار استبدادی حکومت حکومت ایران بر پایه‌ی تمرکز قدرت و سرکوب مخالفان بنا شده است. این امر

مانع از پذیرش حقوق ملل و گروه‌های مختلف می‌شود.

۲. ایدئولوژی ناسیونالیسم افراطی و یکسان‌سازی فرهنگی سیاست‌های یکسان‌سازی زبانی و فرهنگی که از دوران پهلوی آغاز شده و در جمهوری اسلامی ادامه یافته است، یکی از موانع بزرگ پلورالیسم در ایران است.

۳. نبود قوانین حمایتی برای تنوع ملی و فرهنگی

قوانین اساسی ایران، به ویژه اصل 15 و 19، در عمل به درستی اجرا نمی‌شوند و ملل غیر فارس در ایران از حقوق زبانی، آموزشی و فرهنگی خود محروم هستند.

● آیا مردم ایران آماده پذیرش پلورالیسم سیاسی هستند؟

سطح آگاهی سیاسی مردم ایران در دهه‌های اخیر رشد چشمگیری داشته است. جنبش‌های اعتراضی مانند جنبش “ژن، ژبان، ئ‌آزادی” در سال 1401 (جنبش ژینا) نشان داد که مردمان ایران به دنبال حقوق برابر و آزادی‌های سیاسی هستند. با این حال، چند چالش در مسیر پذیرش پلورالیسم وجود دارد:

۱. تسلط ایدئولوژی‌های حکومتی بر آموزش و رسانه‌ها، حکومت ایران از طریق نظام آموزشی و رسانه‌های دولتی، مفاهیمی مانند “وحدت ملی” را به گونه‌ای تبلیغ می‌کند که در تضاد با پلورالیسم واقعی قرار دارد.

۲. نبود تجربه‌ی تاریخی در دموکراسی پلورالیستی

ایران هیچ‌گاه تجربه‌ی یک حکومت دموکراتیک و پلورالیستی را نداشته و بسیاری از مردم با این مفهوم آشنایی ندارند.

۳. گرایش بخشی از جامعه به اقتدارگرایی به دلیل وضعیت ناپایدار اقتصادی و اجتماعی، برخی از مردم به دنبال “دست قوی” هستند که بتواند کشور را اداره کند و از تغییرات بنیادین هراس دارند.

● زیرساخت‌های حقوقی و سیاسی یک جامعه چه نقشی در ایجاد یک نظام پلورالیستی ایفا می‌کنند؟

برای ایجاد یک نظام پلورالیستی واقعی که بر پایه‌ی دموکراسی چند فرهنگی و فدرالیسم چندملیتی استوار باشد، باید تغییرات بنیادی در ساختار حقوقی و سیاسی ایران صورت گیرد. این تغییرات باید به گونه‌ای طراحی شوند که هویت‌های ملی و فرهنگی گوناگون را به رسمیت بشناسند و زمینه‌ی مشارکت عادلانه‌ی همه‌ی گروه‌های ملی-قومی را در قدرت و حاکمیت فراهم کنند. برخی از مهم‌ترین زیرساخت‌های لازم برای این تحول عبارتند از:

۱.تغییر و تدوین قانون اساسی براساس دموکراسی چندملیتی و حق تعیین سرنوشت، برای تحقق یک نظام فدرالی دموکراتیک و چندملیتی، قانون اساسی باید بازنگری شود و اصول زیر را در بر گیرد:

به رسمیت شناختن ایران به عنوان کشوری چندملیتی و چندفرهنگی که از ملت‌های مختلف مانند کوردها، بلوچ‌ها، عرب‌ها، ترک‌ها، فارس‌ها و دیگر گروه‌ها تشکیل شده است.

. حق تعیین سرنوشت ملی باید در قانون اساسی تصریح شود، به طوری که هر ملت بتواند درباره‌ی آینده‌ی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود تصمیم بگیرد.

. برابری حقوقی تمامی ملت‌های ایران در دسترسی به منابع، مدیریت منطقه‌ای

و اداره‌ی امور خود، بدون هرگونه سلطه‌ی یک ملت بر سایر ملل.

۲. استقرار نظام فدرالیسم چندملیتی و غیرمتمرکز یکی از بهترین راه‌حل‌ها برای تحقق پلورالیسم در ایران، ایجاد یک ساختار فدرالی چندملیتی است که در آن هر ملت دارای حق خودگردانی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی باشد. این نظام فدرالی باید شامل اصول زیر باشد:

الف) تشکیل دولت‌های فدرال ملی . هر ملت یا منطقه‌ی جغرافیایی ملی، یک دولت فدرال مخصوص به خود داشته باشد که در آن اداره‌ی امورمحلی، اجرای قوانین منطقه‌ای، و مدیریت منابع اقتصادی و فرهنگی در اختیار خود ملتها باشد.

. پارلمان‌های منطقه‌ای در هر ایالت یا منطقه‌ی ملی تشکیل شود که مسئول تصویب قوانین داخلی، سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و اقتصادی باشند.

ب) تقسیم قدرت میان دولت فدرال و دولت‌های منطقه‌ای

. دولت فدرال مسئول سیاست‌های کلان مانند سیاست خارجی، امنیت ملی و مدیریت منابع مشترک باشد.

. دولت‌های منطقه‌ای فدرال باید حق تصویب قوانین داخلی خود را داشته باشند و بتوانند آموزش، فرهنگ، اقتصاد و نظام قضایی مستقل خود را تنظیم کنند. . مکانیزم‌های همکاری میان دولت‌های فدرال و ایالت‌های ملی باید ایجاد شود تا از همبستگی ملی محافظت شود و همکاری‌های اقتصادی و سیاسی میان مناطق حفظ گردد.

۳. تضمین آموزش و رسانه‌های چندزبانه بر اساس تنوع زبانی . به رسمیت شناختن و استفاده از زبان‌های ملی به عنوان زبان‌های رسمی مناطق فدرالی (به‌عنوان مثال، زبان کردی در شرق کوردستان، زبان بلوچی در بلوچستان و غیره).

. آموزش به زبان مادری در تمامی سطوح تحصیلی در هر منطقه‌ی فدرال. . ایجاد رسانه‌های مستقل و دولتی چندملیتی که بتوانند تمامی گروه‌های ملی را نمایندگی کنند و از یکسان‌سازی زبانی و فرهنگی جلوگیری نمایند.

۴. دموکراسی مشارکتی و تأمین عدالت اجتماعی در ساختار حکومتی .نظام انتخابات دموکراتیک و غیرمتمرکز که در آن تمامی ملت‌ها و اقوام به‌طور برابر بتوانند در فرآیندهای سیاسی مشارکت کنند.

. ایجاد نظام قضایی غیرمتمرکز که در آن دادگاه‌های محلی در مناطق مختلف بتوانند قوانین فدرالی خود را اجرا کنند.

. تضمین عدالت اقتصادی و توزیع عادلانه‌ی منابع طبیعی میان دولت‌های فدرال به گونه‌ای که هیچ ملتی تحت سلطه‌ی ملت دیگر قرار نگیرد.

۵. برابری در حقوق شهروندی و مشارکت برابر در نهادهای حکومتی

. ایجاد مکانیزم‌های بازدارنده برای جلوگیری از تبعیض و سرکوب ملی-قومی، از جمله دادگاه‌های مستقل حقوق بشری و کمیته‌های نظارت بر عدالت اجتماعی.

. احترام به آزادی بیان، آزادی مطبوعات و آزادی احزاب برای تمام ملتها و گروه‌های مختلف.

. مشارکت برابر تمامی ملتها در نیروهای نظامی و امنیتی تا هیچ ملتی بر دیگران برتری نظامی یا امنیتی نداشته باشد.

۶. ایجاد سازوکارهای مذاکره و حل اختلافات ملی . تشکیل کمیسیون‌های حقیقت‌یاب و آشتی ملی برای رسیدگی به جنایات تاریخی علیه اقوام و ملل تحت ستم.

. برگزاری همه‌پرسی‌های دموکراتیک در مناطق مختلف برای تعیین نوع حکومت محلی و میزان استقلال داخلی هر منطقه .اجرای سیاست‌های عادلانه برای جبران بی‌عدالتی‌های تاریخی علیه گروه‌های ملی که در گذشته تحت سرکوب قرار گرفته‌اند

برقراری دموکراسی چندفرهنگی و فدرالیسم چندملیتی در ایران، نه تنها یک خواسته‌ی انسانی و دموکراتیک، بلکه یک ضرورت برای حفظ ثبات و جلوگیری از بحران‌های داخلی است. در شرایطی که سرکوب هویت‌های ملی در ایران همواره موجب بی‌ثباتی شده است، ایجاد یک نظام فدرالی بر اساس حق تعیین سرنوشت و پلورالیسم سیاسی، تنها راه حل پایدار برای همزیستی مسالمت‌آمیز ملت‌های ایران است.

● چرا جامعه‌ی ایران به پلورالیسم سیاسی نیاز دارد؟

جامعه‌ی ایران، به عنوان کشوری چندملیتی، چندفرهنگی و چندزبانه، در طول تاریخ همواره شاهد کشمکش‌های هویتی، تبعیض سیستماتیک و تلاش‌های مستمر برای همگون‌سازی فرهنگی و سیاسی بوده است. در چنین جامعه‌ای که از ملت‌های مختلفی مانند کوردها، بلوچ‌ها، عرب‌ها، ترک‌ها، ترکمن‌ها، فارس‌ها و دیگر گروه‌های ملی تشکیل شده، پلورالیسم سیاسی نه‌تنها یک انتخاب، بلکه یک ضرورت برای ثبات، عدالت و همزیستی مسالمت‌آمیز است.

۱.رفع تبعیض‌های تاریخی و تحقق عدالت اجتماعی . تاریخ ایران پر از نمونه‌های سرکوب سیاسی و فرهنگی علیه گروه‌های ملی بوده است. از ممنوعیت زبان مادری تا عدم حضور برابر در ساختارهای قدرت، بسیاری از ملت‌های ایران در طول تاریخ ایران مدرن حقوق خود محروم شده‌اند.

. پلورالیسم سیاسی به‌عنوان یک مدل حکومتی، اجازه می‌دهد که تمامی گروه‌های اجتماعی، فرهنگی و ملی در تصمیم‌گیری‌های کلان کشور سهیم‌باشند . به رسمیت شناختن حقوق برابر برای همه‌ی ملت‌ها، یکی از پایه‌های پلورالیسم است که باعث توزیع عادلانه‌ی منابع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در میان همه‌ی مردم ایران خواهد شد.

تضمین حق تعیین سرنوشت ملت‌های ایران . در یک کشور چندملیتی، هر ملت باید حق داشته باشد که درباره‌ی سرنوشت خود تصمیم بگیرد و در مدیریت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود استقلال داشته باشد.

. پلورالیسم سیاسی می‌تواند زمینه‌ای را فراهم کند که ملت‌های ایران بتوانند در چهارچوب یک نظام دموکراتیک فدرالی، اداره‌ی امور خود را به دست بگیرند.

۳. کاهش تنش‌ها و توسعه همبستگی . تجربه‌ی تاریخی نشان داده است که تمرکزگرایی و سرکوب هویت‌های ملی باعث نارضایتی، درگیری‌های ملی - قومی و سرعت بخشیدن به نیروی گریز از مرکز میشود.

. کشورهای موفق چندملیتی مانند سوئیس، کانادا، بلژیک و هند توانسته‌اند با

- شماره: ۸۸۹

۳۰ بهمن ۱۴۰۳ _ ۱۸ فوریه ۲۰۲۵

کوردستان

پذیرش پلورالیسم سیاسی، از گسست‌های اجتماعی جلوگیری کرده و وحدت کشور را تقویت کنند.

. در مقابل، کشورهایی مانند یوگسلاوی و شوروی که سیاست‌های سرکوبگرانه‌ی تمرکزگرایی را اجرا کردند، به فروپاشی و جنگ‌های داخلی منجر شدند.

. با پذیرش پلورالیسم، ملت‌های ایران به جای مقابله با یکدیگر، در کنار هم برای توسعه‌ی کشور تلاش خواهند کرد.

۴. تطبیق ساختار حکومتی ایران با تحولات جهانی

در دنیای امروز، هیچ کشوری که دارای تنوع ملی و فرهنگی باشد، نمی‌تواند بدون رعایت اصول پلورالیسم سیاسی پایدار بماند.

. جامعه‌ی جهانی دیگر دیکتاتوری‌های تک‌ملیتی و تک‌زبانه را نمی‌پذیرد، و کشورهای غیرپلورالیستی در معرض تحریم‌ها، انزوا و نارضایتی‌های داخلی قرار می‌گیرند.

. پذیرش پلورالیسم در ایران به بهبود روابط بین‌المللی کشور، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و افزایش اعتبار سیاسی ایران در جهان کمک خواهد کرد.

۵. ایجاد ساختار حقوقی دموکراتیک و فدرالی بر پایه‌ی تنوع ملی

ایران نیازمند تغییر در ساختار حقوقی و قانونی خود برای تأمین حقوق برابر برای همه‌ی ملت‌های ساکن در آن است.

. تدوین یک قانون اساسی فدرالی که حق تعیین سرنوشت سیاسی ملل تشکیل دهنده ایران تضمین کند، می‌تواند ایران را از بحران‌های مداوم سیاسی و اجتماعی نجات دهد.

. در این چهارچوب، هر ملت دارای دولت محلی، مجلس منطقه‌ای و سیستم آموزشی خود خواهد بود، در حالی که دولت فدرال وظیفه‌ی سیاست‌گذاری‌های کلان کشور را بر عهده خواهد داشت.

۶. پایان دادن به فرهنگ استبدادی و جایگزینی آن با دموکراسی مشارکتی

. حکومت‌های مستبد معمولاً سیاست‌های همگون‌سازی و سرکوب فرهنگی را اجرا می‌کنند، در حالی که پلورالیسم سیاسی به معنای مشارکت تمامی اقشار جامعه در سیاست‌گذاری است.

. در یک نظام دموکراتیک فدرالی مبتنی بر پلورالیسم، هیچ گروهی بر دیگران برتری نخواهد داشت و تمامی شهروندان در اداره‌ی کشور نقش خواهند داشت.

ایران، به عنوان کشوری که دارای هویت‌های ملی و زبانی متنوع است، تنها در صورتی می‌تواند به سمت آزادی، برابری و عدالت اجتماعی حرکت کند که پلورالیسم سیاسی را به عنوان یک اصل بنیادین بپذیرد. بدون پلورالیسم، ایران با بحران‌های عمیق‌تر اجتماعی، سیاسی و اقتصادی روبه‌رو خواهد شد. پذیرش یک مدل فدرالی دموکراتیک که به ملتها حق تعیین سرنوشت دهد، بهترین راه برای تضمین حقوق بشر، و تأمین صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز میان ملت‌های ساکن در این جغرافیا است.

آقای حقی خیلی ممنون از اینکه تا این لحظه با ما همراه بودید

خواهش می‌کنم.

سیستم‌های اقتصادی چگونه بر فقر تأثیر می‌گذارند؟

منجر به رشد سریع و کاهش فقر شد. در همان زمان، این کشور شبکه‌های ایمنی اجتماعی مانند طرح ضمانت اشتغال روستایی ملی مهاتما گاندی را برای حمایت از جمعیت روستایی توسعه داده است.

برزیل: در اوایل دهه ۲۰۰۰، برزیل برنامه‌های اجتماعی گسترده‌ای را اجرا کرد، مانند بولسا فامیلیا، که حمایت مالی مستقیم از خانواده‌های فقیر را فراهم می‌کرد. این به طور قابل توجهی فقر را کاهش داد و سطح تحصیلات را بهبود بخشید.

ایران: علیرغم درآمدهای قابل توجه نفتی، ایران به دلیل مدیریت ناکارآمد منابع و تحریم‌های بین‌المللی نتوانست بخش زیادی از جمعیت خود را از فقر نجات دهد نمونه ناموفق برای درک چگونگی عملکرد است.

چشم انداز آینده:

مبارزه با فقر یک چالش پیچیده است که فاقد یک راه‌حل مناسب برای همه است. تجربه نظام‌های اقتصادی مختلف به وضوح نشان می‌دهد که مدل‌های کمونیستی و اسلامی اغلب نتوانسته‌اند به وعده‌های برابری خود عمل کنند، در حالی که نظام‌های سرمایه‌داری گاهی به شکاف‌های عمیق در جامعه منجر شده‌اند. به نظر می‌رسد اقتصادهای مختلط که پویایی اقتصاد بازار را با مداخله دولت ترکیب می‌کنند، یک راه امیدوار کننده به جلو باشد. با این حال، موفقیت آنها به نهادهای قوی، اراده سیاسی و آگاهی از شرایط محلی بستگی دارد. کاهش مؤثر فقر مستلزم استراتژی مبتنی بر چندین اقدام اساسی است. اول، سرمایه‌گذاری در آموزش و سلامت برای تقویت سرمایه انسانی و دادن ابزار به افراد برای بهبود شرایط زندگی‌شان بسیار مهم است. دوم، ایجاد نهادهای شفاف و مؤثر برای تضمین توزیع عادلانه منابع و کاهش فساد ضروری است. تاریخ نشان می‌دهد که کاهش چنگال فقر ممکن است، اما نیاز به برنامه‌ریزی دقیق، شجاعت سیاسی و تعهد طولانی مدت دارد. مبارزه با فقر نه تنها یک ضرورت اقتصادی بلکه یک ضرورت اخلاقی است. با ادامه تلاش برای راه‌حلی که رشد اقتصادی را با عدالت اجتماعی ترکیب می‌کند، می‌توان به افراد بیشتری فرصت زندگی آبرومندانه و معنادار داد. واضح است که هیچ راه‌حل جهانی برای کاهش فقر وجود ندارد. مدل‌های کمونیستی و اسلامی اغلب نتوانسته‌اند به وعده‌های برابری خود عمل کنند، در حالی که نظام‌های سرمایه‌داری گاهی اوقات نابرابری را تقویت کرده‌اند. اقتصادهای مختلط مسیر متعادلی را ارائه می‌دهند، اما به نهادهای قوی و رهبری سیاسی آگاهانه نیاز دارند.



در کاهش فقر را تعیین می‌کند.

قدرت سازمانی نهادهای انستیتو: نهادهای قوی و شفاف برای مدیریت منابع و کاهش فساد حیاتی هستند. بدون این، اصلاحات در خطر بی اثر شدن هستند. کشورهایی که نتوانسته‌اند فقر را کاهش دهند، مانند ایران و برخی از کشورهای آفریقایی، اغلب از ضعف نهادها رنج می‌برند.

آموزش و سرمایه انسانی: سرمایه‌گذاری در آموزش و سلامت برای ایجاد فرصت‌هایی برای افراد برای رهایی از فقر بسیار مهم است. کشورهایی که آموزش را در اولویت قرار داده‌اند، مانند کره جنوبی و سنگاپور، شاهد رشد سریع اقتصادی و کاهش فقر بوده‌اند.

جهانی شدن و تجارت: آزادسازی تجارت می‌تواند رشد و اشتغال ایجاد کند، اما برای بهره‌مندی از این امر، کشورها باید اقتصاد متنوعی بسازند و از گروه‌های آسیب پذیر محافظت کنند شبکه‌های تامین اجتماعی: شبکه‌های ایمنی اجتماعی مؤثر اثرات منفی تحولات اقتصادی را کاهش می‌دهد. کشورهای دارای سیستم تامین اجتماعی قوی، انعطاف پذیری بهتری در برابر بحران‌ها و رشد اقتصادی فراگیرتری دارند.

استراتژی‌های اقتصادی و مقایسه:

برای درک چگونگی عملکرد استراتژی‌های مختلف، می‌توان نمونه‌های موفق و ناموفق را تحلیل کرد:

هند: از طریق اصلاحات بازار در دهه ۱۹۹۰، هند اقتصاد خود را آزاد کرد که

اقتصادی باعث ایجاد رفاه می‌شود که به تمام سطوح جامعه سرازیر می‌شود. اصلاحات بازار در کشورهایی مانند هند و چین در چند دهه گذشته میلیون‌ها نفر را از طریق افزایش تجارت، سرمایه‌گذاری و اشتغال از فقر خارج کرده است. جهانی شدن همچنین توسعه اقتصادی بسیاری از کشورهای در حال توسعه را تحریک کرده است. با این حال، سرمایه‌داری اغلب به دلیل ایجاد شکاف‌های اقتصادی بزرگ مورد انتقاد قرار گرفته است. سرمایه‌گذاری خارجی و تجارت آزاد می‌تواند به نفع بخش‌های خاصی باشد در حالی که گروه‌های دیگر را به حاشیه می‌برند. بدون شبکه‌های ایمنی اجتماعی و سیستم‌های مالیاتی مترقی، سرمایه‌داری خطر تشدید نابرابری را در پی دارد.

مدل اقتصادهای مختلط: تعادل بین دولت و بازار: اقتصادهای مختلط، مانند کشورهای شمال اروپا، اقتصاد بازار را با مداخله دولت ترکیب کرده‌اند. کشورهایی مانند سوئد، نروژ و دانمارک با ارائه برنامه‌های رفاهی جهانی و مالیات‌های تدریجی موفق به کاهش شکاف‌های اقتصادی و بهبود استاندارد زندگی برای همه شهروندان شده‌اند. با این حال، این سیستم‌ها نیازمند نهادهای قوی و اراده سیاسی هستند، چیزی که همیشه در کشورهای در حال توسعه با ساختارهای اداری ضعیف امکان پذیر نیست.

عوامل مؤثر در کاهش موفقیت آمیز فقر:

صرف نظر از نظام اقتصادی، عوامل مشترک خاصی وجود دارد که موفقیت

چین، سیاست‌هایی مانند جهش بزرگ به جلو و انقلاب فرهنگی باعث قحطی و رکود اقتصادی شد. رژیم اسلامی ایران در جریان انقلاب اسلامی خود از راهبردهای مشابهی استفاده کرد اما نتوانست بخش زیادی از مردم را از فقر خارج کند.

رژیم اسلامی ایران کنترل بسیاری از بخش‌ها از جمله کشاورزی، صنعت و بانکداری را با هدف مبارزه با نابرابری‌هایی در دست گرفت. ملی شدن منابع و صنایع منجر به ناکارآمدی و فساد شد که مانع رشد اقتصادی شد. در عین حال، فقدان بخش خصوصی پویا منجر به بیکاری بالا و فقدان نوآوری شد. نتیجه اقتصادی بود که قادر به پاسخگویی به نیازهای جمعیت نبود و این بدان معنا بود که علیرغم وعده‌های انقلاب در مورد عدالت اجتماعی و رفاه، بسیاری همچنان در فقر زندگی می‌کردند. در عین حال، کشورهایی مانند هند، برزیل و چین که در دهه‌های اخیر اصلاحات بازار محور را انجام داده‌اند، نتوانسته‌اند میلیون‌ها نفر را از فقر نجات دهند. این مثال‌ها اهمیت تجزیه و تحلیل استراتژی‌های اقتصادی را نشان می‌دهند که کدام استراتژی‌های اقتصادی مؤثر هستند و کدام نه.

مدل‌های اقتصادی برای فقرزدایی: چندین مدل اصلی اقتصادی وجود دارد که برای مبارزه با فقر استفاده شده است که هر کدام مزایا و معایب خاص خود را دارند. برای درک اثربخشی آنها، باید مکانیسم‌ها و نتایج آنها را بررسی کنیم.

مدل‌های اقتصادی نظام‌های کمونیستی و اسلامی چالش‌های آنها:

مدل اقتصادهای کمونیستی از لحاظ تاریخی بر حذف مالکیت خصوصی و ایجاد برابری از طریق برنامه‌ریزی مرکزی متمرکز بوده‌اند. اتحاد جماهیر شوروی اصلاحات گسترده‌ای را برای توزیع مجدد منابع انجام داد، اما برنامه‌ریزی مرکزی منجر به سیستم‌های تولید ناکارآمد، کمبود منابع و فقر گسترده شد. سیاست‌های چین در دوران مائوتسه تونگ، مانند جهش بزرگ به جلو و انقلاب فرهنگی، باعث قحطی و رکود اقتصادی گسترده شد. مدل اقتصادی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ با ملی کردن بخش‌های مهمی مانند کشاورزی، صنعت و بانکداری مسیر مشابهی را در پیش گرفت. علیرغم جاه‌طلبی برای کاهش نابرابری‌ها، این استراتژی‌ها به ناکارآمدی، فساد و بیکاری بالا منجر شد. بخش خصوصی پویا ضعیف شد و دولت نتوانست نیازهای مردم را برآورده کند.

مدل‌های بازار سرمایه‌داری:

سرمایه‌داری بر اصول بازار آزاد و رقابت استوار است، با این فرض که رشد



حسن قهرمانی

فقرزدایی یکی از مبرم‌ترین مسائل جوامع مدرن است. معیاری برای سنجش کارایی و مشروعیت یک نظام اقتصادی است، به این معنا که جوامع و ساختارهای اقتصادی آنها بر اساس توانایی آنها در مدیریت و کاهش فقر ارزش گذاری می‌شود. بررسی جنبه‌های اصلی فقرزدایی، نمونه‌های تاریخی و استراتژی‌های اقتصادی را تجزیه و تحلیل می‌کند و در مورد اینکه کدام مدل‌ها مؤثرتر بوده‌اند، نتیجه‌گیری می‌کند. پایان دادن به فقر شدید به یک آرزوی اصلی در اهداف توسعه پایدار جهانی تبدیل شده است. با وجود پیشرفت، نزدیک به ۲-۱ میلیارد نفر هنوز زیر خط فقر بانک جهانی ۱۰-۲۰ دلار در روز زندگی می‌کنند. این مشکل جهانی است، اما ابعاد محلی قابل توجهی دارد. ایران در مبارزه با فقر و ناامنی با چالش‌های مهمی مواجه است. تعریف بانک جهانی از فقر شدید، حد ۱۰-۲۰ دلار در روز را تعیین می‌کند. اما این یک شاخص باریک است که اغلب نمی‌تواند بسیاری از تفاوت‌های ظریف زندگی را به تصویر بکشد. همانطور که در عصر توسعه پایدار ذکر شد، دسترسی به آب پاک، بهداشت، آموزش و سرپناه باید در این مفهوم گنجانده شود. تعاریف جهانی از فقر نشان می‌دهد که تا ۲ میلیارد نفر در سراسر جهان را می‌توان فقیر در نظر گرفت. در طول قرن بیستم، رژیم‌های کمونیستی شوروی، چین و رژیم اسلامی ایران، از سیستم‌هایی حمایت کردند که نوید توزیع مجدد منابع رادیکال برای از بین بردن فقر را می‌دادند. این رژیم‌ها معتقد بودند که نابرابری‌های ذاتی سرمایه‌داری ریشه مشکل است و تنها یک اقتصاد تحت کنترل مرکزی می‌تواند توزیع عادلانه ثروت را تضمین کند. تاریخ مملو از نمونه‌هایی از نظام‌های اقتصادی است که وعده ریشه‌کنی فقر را می‌دادند، اما اغلب نتوانستند به وعده‌های خود عمل کنند. از قضا، این سیستم‌ها اغلب منجر به شکست‌های اقتصادی گسترده می‌شوند. برنامه‌ریزی مرکزی اتحاد جماهیر شوروی سیستم‌های تولید ناکارآمدی را ایجاد کرد که منجر به کمبود کالا و فقر گسترده شد. در